

مروری بر امور خیریه و مسئولیت اجتماعی کارآفرینان

منصوره اتحادیه

از موسسین محکم، برای دعوتی که از این جانب بعمل آمده که در چهارمین همایش مسئولیت اجتماعی شرکت ها سخنرانی کنم بی اندازه سپاسگزارم. برای من افتخار بزرگی است که در این روز جهانی چند کلمه صحبت کنم. اکثر ما ایرانیان از فعالیت های فوق العاده و موفقیت های محکم درباره اطفال مبتلا به سرطان مطلع هستیم. ولی از ابتکار این موسسه در تشکیل همایش به منظور جلب توجه و آگاهی دادن درباره مسئولیت اجتماعی شاید به آن اندازه آشنایی نداریم. در واقع باید این ابتکار محکم را قدمی در پیشبرد شناخت مسئولیت اجتماعی کارآفرینان دانست. تخصص من به عنوان مورخ بیشتر محدود بوده به دوره قاجار و اوایل پهلوی. وقتی به من پیشنهاد شد که درباره مسئولیت اجتماعی کارآفرینان صحبت کنم اولین عکس العمل من این بود که امتناع کنم چون تخصص در این باره ندارم. ولی بعداً به این نتیجه رسیدم که این مسئله را از نقطه نظر تاریخی و با بحث درباره تجار و موقوفات تجار مطرح کنم. مسئولیت اجتماعی کارآفرینان به انگلیسی

Corporate Social Responsibility CSR

این موضوع مسئله بسیار پیچیده و مفصلی است که باید توسط متخصصین مطرح گردد. در اینجا به یک جنبه از یک بحث گسترده اشاره خواهد شد.

در ۱۹۸۲ یکی از نویسندگان به نام کارول CSR را چنین تعریف کرد کسب و کار باید طوری باشد که هم از لحاظ اقتصادی سود آور باشد و هم قانونمند و پایبند اخلاقیات و هم تکیه گاهی برای جامعه باشد. سودآوری کمپانی و قانونمندی آن بایستی شرط اولیه بحث درباره ارزش های اخلاقی شرکت قرار گیرد، شرکت چه مقدار وقت، مال و استعداد برای جامعه ای که در آن حضور دارد مصرف می کند. بر این اساس CSR شامل ۴ بخش است. اقتصاد، توانمندی، اصول اخلاقی، کار داوطلبانه و خیریه. کمک های خیریه و عام المنفعه شامل اهدای پول کمک به تشکیلات غیرانتفاعی، کمک به هنر و فرهنگ، عمران و آبادی، کنترل آلودگی و جلوگیری از تخریب محیط زیست و غیره است.

در ایران پیشینه به نام سنت وقف وجود دارد که جزء میراث فرهنگی به شمار می آید و تجار در این راستا بسیار فعال بوده اند این سنت از جهاتی بی شباهت به جنبه های امور عام المنفعه CSR نیست و من از این منظر به مسئله اوقاف تجار و تحولات آن از دوره قاجار تا پایان پهلوی نگاه خواهم کرد.

حس نوع دوستی در نهاد انسان و جوامع بشری چه اسلامی و غیر اسلامی همیشه وجود داشته است. در اسلام آیات و احادیثی برای کسب رضایت خدا و کمک به نیازمندان وجود دارد.

موسسات خیریه دو نوع اند:

۱. انواع وقف است که در مقطعی معین و برای کار مشخص انجام می شد. این نوع امور خیریه را می توان در مدتی طولانی در قالب های سنتی جستجو کرد.

۲. نوع دوم موسسات خیریه پایدارند که دارای اساسنامه، برنامه کار، هدف و هیئت امنا می باشند. موسساتی که از تحولات انقلاب مشروطیت تأثیر گرفتند جزو موسسات جدید هستند و تا حدی با مفهوم مسئولیت اجتماعی CSR سنخیت دارند. چنانکه دکتر شیرین کام و دکتر سعیدی که زندگی ۵۰ نفر از کارآفرینان را تا انقلاب اسلامی مطالعه کرده اند نیز در این باره می نویسند مسئولیت اجتماعی کمک های موردی خاص نیست که بسیاری از افراد در طول زندگی خود به صورت های

مختلف در آن مشارکت دارند، بلکه تأسیس مؤسسه و نهاد و مشارکت سازمان یافته فعالیت اجتماعی در طی یک دوره، کنار فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد.

در دوره قاجار بیشترین موقوفه‌ها توسط تجار انجام گرفت. در اینجا منظور از این گروه تجار بزرگی است که در تجارت عمده و معاملات کلان اشتغال داشتند. تجار از طبقات برجسته اجتماع بودند که در کنار زمینداران، اشراف، نظامیان و مقامات اداری قرار می‌گرفتند و از اعتبار و احترام زیادی برخوردار بودند و مردم آن‌ها را امین و راستگو می‌دانستند. این افراد سواد داشتند، با دنیای خارج در ارتباط بودند و جزء واردکنندگان نوآور محسوب می‌شدند.

تجار امور خیریه، خود را از طریق پرداخت خمس، ذکات و نذورات و موقوفات به روحانیون انجام می‌دادند. ولی از سال‌های قبل از مشروطه تحولی در نوع موقوفات به چشم می‌خورد، موقوفات جدید بیشتر در زمینه مدرسه‌سازی بود، به طوری که در دوره سلطنت مظفرالدین شاه به یک نهضت مدرسه‌سازی تبدیل گشت که هم دولت و هم عده‌ای از رجال و هم تجار در آن شرکت می‌جستند.

بعد از انقلاب مشروطه که تجار در آن نقش موثری داشتند امر مدرسه‌سازی توسط تجار افزایش چشم‌گیری یافت. البته مشکلات تجار در این زمان بسیار بود. بخصوص کمبود نقدینگی دست‌آنها را می‌بست و رقابت غرب در تجارت همیشه عنصری برای آنها بازدارنده بود. ولی علی‌رغم مشکلات، تجار توانستند به توسعه مدارس بپردازند آنها معتقد بودند استقرار نهادهای مدرن به رشد و پیشرفت جامعه کمک می‌کرد. تجار در مناطق مختلف و حتی نقاط دورافتاده کشور به توسعه مدارس پرداختند. علاوه بر تأسیس مدرسه به امور خیریه هم کمک می‌کردند که هم جنبه اعتباری و هم اعتقادی داشت. عموم مردم نیز از آنها این انتظار را داشتند.

در سال‌های بعد از جنگ جهانی اول تجار همچنان معتبر، قابل وثوق، مرجع و محل مراجعه مردم و پیش‌قدم در امر خیریه بودند. حتی در بحران اقتصادی بعد از جنگ هنوز تجار خیر به اقدامات خود ادامه می‌دادند و همچنین به امور خیریه‌ای که تحت نظارت دولت بود کمک می‌کردند. البته این گونه رابطه و نزدیکی مراکز قدرت سیاسی برای تجار استفاده‌هایی هم داشت. ولی ویژگی ماندگار تجار در این سال‌ها معارف‌خواهی و کمک به رونق مدارس بود.

دوره رضاشاه از بسیاری جهات دوره گسست از گذشته بود. هرج و مرج دوره مشروطه این احساس را ایجاد کرد که ایران به یک دولت مقتدر و متمرکز و متجدد احتیاج دارد تا بتواند به وحدت ملی، امنیت و نوسازی دست یابد. دلیل حمایت تجار از رضاشاه هم همین انگیزه‌ها بود. تجار بعد از نیم قرن، در این دوره به بعضی از خواسته‌های خود مانند تأسیس بانک، راه آهن، جاده‌سازی، و ثبات سیاسی و امنیت و قانون رسیدند. همچنین آموزش جدید، تأسیس مدارس، دانشگاه، هنرستان، اعزام دانشجویان به خارج، توجه به بهداشت، تربیت پزشک و پرستار، جاده‌سازی، قوانین مدنی، جزایی، ثبتی، بازرگانی و غیره. هرچند به مرور خودسری‌های دولت و انحصار تجارت خارجی موجب نارضایتی شد.

ولی بطور کل در این دوره دولت مسئول ایجاد حداقل رفاه بهداشتی درمانی و معیشتی گشت که بر بخش خصوصی نیز اثر گذاشت به طوری که موسسه‌های خیریه نوین به سبک و سیاق مدرن تری و با ساختار منظم تر نسبت به گذشته تأسیس شد. رابطه تجار و روحانیت همچنان پابرجا بود، چنانکه آنان از طریق وقف و تأسیس مسجد، اعطای نذورات و کمک به مراسم مذهبی به دست‌علمای سعی داشتند به جامعه کمک کنند. تجار در عین حال که به مؤسسات خیریه دولتی هم کمک می‌کردند به امور خیریه دیگر هم مبادرت بخصوص می‌ورزیدند

تجار در این دوره کم‌کم از بخش تجارت به سرمایه‌گذاری و توسعه بخش صنایع روی آوردند که هم دولت و هم روشنفکران آن را تشویق می‌کردند. اکنون کشور مستقل تر بود و دولت نیز از سرمایه‌گذاران حمایت می‌کرد. بعضی از صنایعی که در این وقت دایر شد کاغذسازی، شمع‌ریزی، ابریشم‌بافی، حریربافی، نساجی، شیشه‌سازی و صنایع چوبی بود.

دولت مدرسه صنعتی ایران و آلمان را برای ترقی دادن صنعت دایر کرد و در سال ۱۳۰۲ نمایشگاه امتعه وطنی دایر شد. دولت خواسته تجار را عملی کرد از جمله ورود اشیاء تجملی، بخصوص ورود کالاهایی که ایرانیان می توانستند خود آن را بسازند ممنوع کرد.

در دوره محمدرضا شاه تحولات سرعت بیشتری یافت. بخصوص ثبات سیاسی بعد از سال ۱۳۳۲ و رشد درآمد حاصل از فروش نفت و کمک های دولتی به بخش صنعت مانند معافیت گمرکی برای ورود کارخانه جات و لغو عوارض راه و شهرداری که علی رغم ضعف زیرساخت های کشور، انگیزه ای برای بخش خصوصی و صنعت پدید آورد. اکثر صاحبان صنایع از تجار تشکیل می شدند که وارد این عرصه نوین شدند و تغییرات بسیار عمده ای در زندگی اجتماعی و اقتصادی کشور به وجود آوردند. اکثر شرکت های بزرگ صنعتی خانوادگی بودند و تداوم آنها در چند نسل نقش مهمی در مدرن سازی اقتصاد کشور ایفا کرد.

لازمه تحول از تجارت سنتی به یک صنعت پیشرفته تغییر در دیدگاه تجار بود. که در قدیم قناعت صرفه جویی و رضایت به داده خدا، اساس معاملات بود ولی در دوران جدید تمول، توسعه و ازدیاد درآمد ملاک قرار گرفت. این تحولات تغییری هم در صفوف تجار به وجود آورد. به مرور گروهی ائتلافشان را با بازار و روحانیت ادامه دادند، و گروهی با طبقات بالا، دولت و دربار نزدیک شدند که نتایج سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عمیقی داشت.

اکثر کارآفرینان نسل اول فاقد تحصیلات دانشگاهی بودند، ولی فرزندانشان به تحصیل در دانشگاه های اروپا، آمریکا و ایران پرداختند. بعضی از این فرزندان توانستند که به شرکت های خانوادگی بپیوندند.

کم کم نیروهای آموزش دیده جذب این شرکت ها شدند و بعضی از این شرکت ها به دانشجویان بورس دادند و حتی در کنار کارخانه های خود مراکز آموزش فنی تأسیس کردند. بعضی از شرکت ها اولین مراحل تفکیک مدیریت از مالکیت را آغاز کردند. برخی از آنان گام های تازه ای در عرصه فعالیت نیکوکاری آغاز کردند.

ولی باید اضافه کرد که هنوز محدودیت و ظرفیت فعالان و نهادها در تاریخ اقتصادی ایران مورد بررسی درست و صحیح قرار نگرفته است برای مثال شیوه های تبلیغاتی آن ها، بهره گیری از سرمایه گذاران خارجی، مشارکت آنان با شرکت های بزرگ، کمبود نیروهای ماهر، مداخلات دولت پهلوی و غیره مطالعه نشده است.

نکته جالب توجه این است که علی رغم تحولات جدید سرمایه داران که به لحاظ اقتصادی شیوه های سنتی را کنار گذاشتند لزوماً رابطه خود را با امور خیریه سنتی و اعتقادات مذهبی نبریدند، چون خاستگاه تاریخی بسیاری از کارآفرینان و صاحبان صنایع مدرن بازار بود.

از بین ۵۰ نفر از کارآفرینان که مورد مطالعه قرار گرفتند، ۳۲ نفر ۶۴٪ به امور خیریه موقوفات و نیکوکاری مبادرت ورزیدند. اکنون نام چند نفر از این کارآفرینان و امور عام المنفعه موسساتشان را به اختصار نام می برم چون شاید همگی آگاهی نداشته باشیم.

نتیجه گیری:

در آغاز بحث اشاره شد که در بین حیطة بسیار وسیع CSR به یک جنبه آن که کارهای خیریه و عام المنفعه است و با یکی از سنت های قدیمی ایران وقف و خیرات سنخیت دارد اشاره خواهد شد. سنت وقف امروزه همچنان توسط کارآفرینان ادامه دارد و باید قدر دانست. ولی آنچه اهمیت دارد شناخت هر چه بیشتر جنبه های مثبت و عملی CSR است. باید در صاحبان صنایع و شرکت ها احساس مسئولیت اجتماعی به وجود آورد و آنها را تشویق و تقویت کرد چون همان طور که توسط متخصصان مطرح شده CSR هم به نفع شرکت هاست، هم به نفع مردم و هم محیط زیست است که باید از ان غافل نشد.

برخی از منابع :

موقعیت تجار و صاحبان صنایع در ایران دوره پهلوی

سرمایه داری خانوادگی خاندان لاجوردی

زندگی و کارنامه حاج محمد تقی برخوردار

زندگی و کارنامه ایروانی

پیشگامان رشد

سرگذشت پنجاه کنشگر اقتصادی ایران - شیرین کام و فرجام نیا